

اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور

سودابه سلیمی خراشاد¹

دکتر احمد رضا کیخای فرزانه^{2*}

چکیده

قیصر امین‌پور از شاعران مطرح انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. از ویژگی‌های شعر قیصر امین‌پور وجود اندیشه‌های عارفانه در آثارش است. در مطالعه اشعار شاعران معاصر در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که شاعران معاصر در اشعار خویش بیشتر به بیان مسایل سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند و مضامین عرفانی در اشعار شاعران معاصر جایگاهی ندارد. لذا به منظور بررسی جایگاه عرفان و تبیین اندیشه‌های عرفانی در آثار قیصر امین‌پور، این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد. این جستار به روش کتابخانه‌ای و محدوده پژوهش پیرامون کتاب‌های «دستور زبان عشق»، «گلها همه آفتابگردانند»، «آینه‌های ناگهانی» و «تنفس صبح»، صورت پذیرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که قیصر امین‌پور، از فرهنگ عرفانی در اشعارش بهره برده است و اندیشه‌های عرفانی وی درخور توجه است. مبانی اساسی عرفان چون عشق، تقابل عقل و عشق، خودشناسی، ترک تعلقات نفسانی و دنیوی و تجلّی در اشعارش موج می‌زند.

کلمات کلیدی: مضامین عرفانی، قیصر امین‌پور، شعر معاصر.

1. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

sudابه.salimi@yahoo.com

2. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)

akeikha.farzaneh@iauzah.ac.ir

تاریخ پذیرش

96/12/9

تاریخ دریافت

96/10/5

1- مقدمه

سنایی شاعر نیمه دوم قرن پنجم اولین شاعری است که عرفان را رسماً وارد شعر فارسی نمود و پس از وی شعر عرفانی با حضور عارفانی شاعر و شاعرانی عارف چون عطار، مولوی و حافظ رو به کمال نهاده است. از آنجاکه عرفان با ادبیات پیوندی دیرینه و ناگسستنی داشته است، شاعران برای بیان مقاصد دینی و مذهبی خویش از آموزه‌ها و مضامین عرفانی در شعر خویش بهره برده‌اند. شعر عرفانی به بیان حال و عوالم خاص عارفان و شرح باورها و ارزش‌های آنان می‌پردازد. یکی از تعاریفی که از عرفان بیان شده است: «عرفان نوعی روش زندگی و مکتبی است که محبت خدا و شناخت حقیقت، ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد.» (کاشانی‌ها، 20:1382)

در تعریفی علمی و فنی از عرفان آمده است: «عرفان عبارت است از علم به حضرت حق سبحانه از حیث اسماء و صفات و مظاهرش، علم به مبدا و معاد و به حقایق عالم و چگونگی بازگشت آنها به حقیقت واحدی که همان ذات احدی حق تعالی است؛ معرفت طریقت سلوک و مجاهده برای رها ساختن نفس از تنگناهای قید و بند جزئیت و پیوستن آن به مبدا خویش و اتصافش به نعت کلیت.» (قیصری، 10:1416)

کسی که به مقام عرفان دست یابد عارف گویند. عرفان به دو بخش عملی و نظری تقسیم می‌شود که هر دو با شناخت نفس ارتباط تنگاتنگی دارند. در عرفان عملی روابط انسان با خودش و جهان و با خدا مطرح می‌شود، این بخش از عرفان علم سیر و سلوک نامیده شده است. عرفان نظری به تفسیر هستی می‌پردازد (آریا، 1375: 98-97).

این پژوهش به بررسی اندیشه‌های عرفانی در شعر قیصر امین پور پرداخته است. تلاش شده است هر یک از اصطلاح‌های عرفانی با توجه به مضمون و محتوای بیت‌ها استخراج شود و بدین روش نگرش و اندیشه‌های عرفانی قیصر امین پور در باب هر کدام از مصادیق و اصطلاح‌های عرفانی مشخص و مدون شده است.

1-2 پرسش‌های تحقیق

1- آیا قیصر امین پور از مضامین و آموزه‌های عرفانی در شعرش بهره جسته است؟

2- بهره مندی وی از کدام مضامین عرفانی بیشتر است؟

3- بازتاب مضامین عرفانی در شعر او بیانگر چیست؟

1-3- هدف تحقیق و ضرورت آن

بررسی رویکرد و جایگاه اندیشه‌های عرفانی در شعر قیصر امین‌پور، بعنوان یکی از شاعران شاخص معاصر در دفاع مقدس هدف تحقیق است. از آنجا که قیصر امین‌پور شاعری از نسل انقلاب و دفاع مقدس است در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که محتوای اشعارش بیشتر مسایل سیاسی و اجتماعی است و مضامین و اندیشه‌های عرفانی در شعرش نمود ندارد، لذا نگارش این تحقیق به منظور آگاهی از رویکرد و بهره‌مندی قیصر امین‌پور از مضامین عرفانی و بررسی اندیشه‌های عرفانی قیصر امین‌پور، ضروری به نظر می‌رسد.

1-4- روش تحقیق

در این جستار ابتدا به روش کتابخانه‌ای با گردآوری آثار و مجموعه اشعار قیصر امین‌پور شامل «تنفس صبح»، «دستور زبان عشق»، «آینه‌های ناگهانی»، «گلها همه آفتابگردانند»، به روش فیش‌برداری اشعار با درونمایه عرفان و مضامین عرفانی استخراج و دسته‌بندی شده است و تحلیلی مختصر از نگرش و کاربرد اصطلاح مورد نظر در شعرش بیان شده است.

1-5- پیشینه تحقیق

درباره عرفان و تصوف در متون ادبی کهن و یا کلاسیک تحقیقات مدون و کاملی صورت گرفته است. در خصوص اشعار شاعران معاصر و اندیشه‌های عرفانی در اشعارشان کمتر تحقیق شده است. درباره قیصر امین‌پور که از شاعران شاخص معاصر و دفاع مقدس به شمار می‌رود، پژوهشی با عنوان «پیوند حماسه و عرفان در اشعار قیصر امین‌پور»، به قلم مریم نظر چوب مسجدی در نشریه ادبیات پایداری (1392) به رشته تحریر آمده است که نگارنده به بررسی اشعار قیصر امین‌پور، با درونمایه حماسی که روکشی نازک از معانی لطیف عرفانی نیز بر آن افزوده است، پرداخته است.

همچنین پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس»، توسط عنایت‌اله شریف‌پور و نرگس موحدی در نشریه ادبیات پایداری (1388) به چاپ رسیده است که به طور اجمالی به بررسی مضامین چندین شاعر دفاع مقدس پرداخته است. پژوهشی نیز با عنوان «بررسی جلوه‌های اندیشه در شعر قیصر امین‌پور» به قلم سیده مریم ابوالقاسمی و شهلا علیه‌پور در مجله تاریخ ادبیات (1389) به بررسی ویژگی‌های

محتوایی شعر امین پور پرداخته شده است که در بحثی نیز به اشعار با محتوای عرفانی از قبیل کاربرد اصطلاحهایی چون هبوط، هجران و دوری از معشوق ازلی، گرایش فطری انسان به حق، بی اعتباری دنیا در شعر قیصر امین پور پرداخته‌اند. اما پژوهش پیش رو تنها به بررسی نگرش و اندیشه‌های عرفانی و جهان‌بینی عرفانی قیصر امین پور که برگرفته از عرفان کهن است، در محدوده بیشتر آثار قیصر امین پور پرداخته است.

2- مضامین و اصطلاح‌های عرفانی در شعر قیصر امین پور

قیصر امین پور در سال 1338 در گتوند، روستایی از توابع دزفول زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات دبیرستانی را در دزفول به پایان رساند. وی بعنوان یکی از معروف‌ترین و موفق‌ترین شاعران انقلاب و دفاع مقدس به شمار می‌آید. از آثار قیصر امین پور می‌توان به تنفس صبح، آینه‌های ناگهانی، دستور زبان عشق، گلها همه آفتابگردانند، گزینۀ اشعار، به قول پرستو، بی‌بال پریدن، مثل چشمه، مثل رود و سنت و نوآوری در شعر معاصر، اشاره کرد.

قیصر امین پور، شاعری آشنا به مسایل اجتماعی و فرهنگی روزگار خویش است و در بیان نازک خیالی‌های شاعرانه‌اش موضوعات اجتماعی از برجستگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از ویژگی‌های بارز در شعر قیصر امین پور نگرش عارفانه‌ی وی به جهان پیرامونش است که سبب شده است مضامین عرفانی چون عشق، وحدت، شناخت خویش، رهایی از خود و تعلقات نفسانی در اشعارش بازتابی گسترده داشته‌باشد. در ذیل نگارنده پس از بررسی اشعار شاعر معاصر، شواهدی از اشعار شاعر که انعکاسی از عرفان و اندیشه‌ی عرفانی داشته است، استخراج و ارائه نموده است.

2-1- عشق

عشق از مسایل مهم و اساسی در بینش عرفانی است، چنانکه بدون در نظر گرفتن آن عرفان قابل فهم نیست. مرحوم دکتر غنی، درباره‌ی عشق چنین نوشته‌اند: «ماحصل عقیده‌ی عارف در موضوع عشق، این است که عشق غریزه‌ی الهی و الهام آسمانی است که به مدد آن، انسان می‌تواند خود را بشناسد و به سرنوشت خویش واقف شود». (رجایی بخارایی،

(592:1364)

ملاصدرا حکیم و فیلسوف بزرگ اسلامی عشق و محبت را مترادف می‌داند و آن را ابتهاج به شیء موافق تعریف می‌کند اعم از این که عقلی باشد یا حسی، حقیقی باشد یا ظنی. (شیرازی، 169:1392) او معتقد است که در همه موجودات عشق و شوقی نسبت به کمال وجود دارد و معشوق و محبوب حقیقی ذات حق تعالی است (همان: 169)

در شعر شاعران معاصر، هم عشق مجازی و جسمانی و هم عشق پاک عذری و هم عشق عرفانی و الهی و ملایمات و ناملایمات آن فراوان و با زیبایی در اشعارشان بازتاب داشته است. در شعر قیصر امین‌پور نیز بازتاب عشق که اصل و اساس عرفان بر آن استوار است، بسیار زیاد است که با توجه به محتوای ابیات می‌توان از آن به عشق الهی و معنوی تعبیر کرد. با توجه به شواهد استخراج شده از اشعار قیصر امین‌پور، می‌توان گفت که وی در بیان اندیشه‌های عرفانی خویش از پشتوانه گفتاری و نوشتاری بزرگانی چون مولانا و حافظ سیراب شده است و چون حافظ که می‌فرماید:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که درین گنبد دوار بماند
(حافظ، 240:1392)

قیصر امین‌پور نیز، با تلمیحی برگرفته از حافظ می‌گوید:
جز صدای سخن عشق صدایی نشنیدم که دراین همهمه گنبد دوار بماند
(امین‌پور، 87:1387).

همچنین آن‌گونه که مولانا در شرح و بیان عشق باز می‌ماند و در باب عشق می‌گوید:
هر چه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم خجل مانم از آن
(مثنوی، دفتر اول، 91:1392)

قیصر امین‌پور نیز عشق را مسئله‌ای مجهول و تفسیرش را امری محال می‌داند و بسیار لطیف و زیبا می‌گوید:

عشق است، عشق، مسئله مجهول گفتیم نام مشکل بی حل را
(امین‌پور، 126:1363).

ای همچو شعر حافظ و تفسیر مثنوی شرح تو غیر ممکن و تفسیر تو محال
عنقای بی‌نشانی و سیمرغ تو کوه قاف تفسیر رمز و راز اساطیر تو محال
(امین‌پور، 119:1387)

قیصر امین پور، نامالایمات عشق را این چنین توصیف می کند و می گوید:
مکتب خونریزی است مکتب والای عشق شیوه چنگیزی است شیوه یغمای عشق
عشق به وقت ورود کرد تعارف به درد وز همه برخاست آه در جلو پای عشق
(امین پور، 127:1363)

2-2- تقابل عقل و عشق

یکی از شایع ترین مضامین و موضوعات عرفانی که در ادبیات عرفانی نمودی گسترده داشته است؛ موضوع تقابل عقل و عشق است. در آثار صوفیه و عرفا بیشتر تاکید بر عشق است. نجم الدین رازی در این باره می گوید: «و میان محبت و عقل، منازعت و مخالفت است، هرگز با یکدیگر ن سازند، به هر منزل که محبت رخت اندازد، عقل خانه پردازد.» (نجم الدین رازی، 59:1383)

در مناظره بین عقل و عشق همیشه عشق پیروز است و عقل را شکست می دهد. در شعر قیصر امین پور نیز به مسئله تقابل عقل و عشق اشاره می شود و چون عارف نامدار که پای استدالیان را چوبین می داند، آشتی و همزادی بین عقل و عشق نمی داند و این تقابل را بسیار لطیف و زیبا این گونه بیان می کند:

خون گلوی عاشقان، آب وضوی عاشقان زانکه به کوی عاشقان عقل گذر نمی کند
(امین پور، 90:1363)

در رباعی بسیار زیبا خطاب به عقل می گوید:

ای عقل که وامانده صدها رازی تا چند به چون و چند می پردازی
یاران سفر عشق به پایان بردند تو مرد نه ای، هنوز در آغازی
(امین پور، 64:1374)

مولانا در تقابل عقل و عشق می فرماید:

پای استدالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود
(مثنوی، دفتر اول، 649:1392)

عقل در شرحش جو خر در گل بماند شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت
(همان، 92)

قیصر امین پور نیز عقل را کوتاه نظر می شمرد:

آن‌سان که تویی هیچ کس آگه به تو نیست راهی ز فراز عقل کوتاه به تو نیست
(امین پور، 1374:53)

2-3- معرفت نفس

خودشناسی مقدمه‌خداشناسی است. صوفیه هم می‌گویند: «من عرف ربه فقد عرف ربه» یعنی شناخت خود راهی است که مودّی به شناخت حق می‌شود (غنی، 16:2536).
غزالی نیز در این باره می‌گوید: «آدمی از ذات خویش هستی ذات حق - سبحانه و تعالی - بشناسد و از صفات خویش صفات حق تعالی بشناسد و از تصرف در مملکت خویش - که آن تن و اعضای وی است - تصرف حق در جمله عالم بشناسد.» (غزالی، 47:1387)
ابو سعید ابوالخیر می‌گوید: «حجاب میان بنده و خدای، آسمان و زمین نیست، عرش و کرسی نیست، پنداشت و منی تو حجاب است، از میان برگیر به خدای رسیدی.» (محمد بن منور، 287:1390)

قیصر امین پور با شیوایی این مفهوم و تفکر صوفیه را بیان می‌کند و در بند خویش بودن را منافات با عشق حقیقی، می‌داند و می‌گوید:

در بند خویش بودن معنای عشق نیست چونان که زنده بودن، معنای زندگی
(امین پور، 1388:47)

و نیز در باب شناخت خویش می‌گوید:

سال‌ها دویده‌ام از پی خودم، ولی تا به خود رسیده‌ام، دیده‌ام که دیگرم
(همان: 39)

و راه رسیدن به وصال معشوق ابدی را از خود گذاشتن می‌داند:

موجیم و وصل ما از خود بریدن است ساحل بهانه‌ایست، رفتن رسیدن است
تا شعله در سریم پروانه اخگریم شمعیم و اشک ما، در خود چکیدن است
(امین پور، 1388:151)

خطاب به معشوق ازلی و ابدی خویش چنین می‌گوید:

ای عشق به شوق تو گذر می‌کنم از خویش تو قاف قرار من و من عین عبورم
(امین پور، 1387:122)

2-4- الست

الست به معنی «آیا من نیستم» (اعراف/172) مربوط است به اقرار ذریات و فرزندان آدم به توحید و یگانگی پروردگار و گواهی دادن آنها بر این توحید (شرح اصطلاحات تصوف، ج 1، ذیل الست) اما برداشت صوفیان برداشت ذوقی و رمزی است و آن پیوند عشق و دوستی بستن حق با بندگان از ازل است. در حالی که گروهی از بندگان به علت نداشتن عزمی استوار آن عهد را فراموش کردند و به غیر حق مشغول شدند و گروهی دیگر که سالکان و عارفان و انبیای الهی بودند این عهد را به یاد داشتند و همواره از ذوق شراب الست سر مست بودند.

قیصر امین پور نیز عهد الست و بر سر پیمان بودن را یادآور می‌شود:

مگو کهنه شد رسم عهد الست بیایید تجدید بیعت کنیم

(امین پور، 1388:66)

از دیدگاه قیصر امین پور بلای شهادت از همان روز الست با گفتن «قالوا بلی» بر انسان وارد شده است:

دلا ز عهد الستی به جان خریده تو گویی قبیلۀ تو به «قالوا بلی» بلای شهادت!
(امین پور، 1363:102)

خطاب به معشوق حقیقی از عهد الست یاد می‌کند:

من از عهد آدم تو را دوست دارم از آغاز عالم تو را دوست دارم

(امین پور، 1387:79).

2-5- ترک تعلقات مادی و نفسانی

دکتر سجادی به نقل از نفحات الانس جامی چنین آورده است: «تجربید به معنی خالی شدن قلب و سر سالک از ماسوی الله است. باید آنچه موجب دوری بنده از حق است، از خود دور کند.» (سجادی، 1386:221).

قیصر امین پور نیز این مضمون عرفانی را چون عارفان وارسته، حافظ و مولانا که ترک تعلقات مادی و دنیوی را شرط رسیدن به معبود حقیقی می‌دانند، در شعرش به کار برده است و شرط رسیدن به معشوق را ترک تعلقات دنیوی دانسته است:

لباس تنگ تعلق هزار پاره کن ای دل به قامت تو بپوشند تا قبای شهادت

(قیصر امین پور، 1363:102)

کار خداست کار ما، دامن غیر کن رها کار خدای کرده را دست بشر نمی کند
(همان: 90)

2-6-6- دل

دل از نظر عارف دارای جایگاه ویژه‌ای است. محل تجلی انوار الهی و اسرار است. صوفیان گویند دل را دو معنی است: «یکی گوشت صنوبری شکل که در طرف چپ سینه واقع است که آن را بهایم و اموات نیز دارند. دوم لطیفه‌ای ربانی و روحانی که تعلقش به دل جسمانی، چون تعلق اعراضی است به اجسام، و صفت به موصوف و آن انسان است و مراد از کلمه قلب در قرآن کریم و سنت رسول اکرم، همین دل است.» (شرح اصطلاحات تصوف، ج 5، ذیل دل).

قیصر امین‌پور نیز دل را صندوقچه‌ی راز خدا می‌داند:

تنها به خدا دل خوشی ما به دل ماست صندوقچه‌ی راز خدا را نفروشید

در دست خدا آینه‌ی ای جز دل ما نیست آینه‌ی شما را نفروشید

(قیصر امین‌پور، 1388: 67)

قیصر امین‌پور، در رباعی‌ای بسیار شیوا و لطیف تنها راه رسیدن به وصال حق و معبود ابدی را، «راه دل» می‌داند:

آن‌سان که تویی هیچکس آگه به تو نیست راهی ز فراز عقل کوتاه به تو نیست

هر چند تو را هزار ره باشد، لیک جز راه دل از هیچ رهی ره به تو نیست

(امین‌پور، 1374: 53)

2-7- وحدت وجود

یکی از بحث برانگیزترین مضامین عرفانی بحث وحدت وجود است، از نظر عارف تنها چیزی که اصالت دارد خداست که از آن به وحدت وجود تعبیر می‌شود. «وحدت وجود یعنی اینکه جهان از جمله جمادات، نباتات، حیوانات، معادن و فلکیات همه یک وجودند؛ اما در مرتبت فوق و اقوی و اشد عالم، وجود خداوند قرار دارد و بقیه موجودات بر حسب مراتب قرب و بعد به مبدأ اول، که طرف اقوی است متفاوتند.» (کاشانی‌ها، 1382: 26)

عقیده صوفیه فناء در توحید از اصول محسوب است، یعنی عارف جز «واحد» چیزی در وجود نمی‌بیند و خود را هم در بین نمی‌بیند و موجودات با همه کثرت و تنوع چون

آینه‌های متعدد هستند که یک چیز واحد حقیقی یعنی خدا در همه آن‌ها جلوه‌گر است.
(غنی، 71:2536)

قیصر امین پور شاعر معاصر وحدت وجود را با مثالی ارزنده بیان نموده است که داد از توحید می‌زند:

مگر موج دریا ز دریا جداست چرا بر «یکی» حکم «کثرت» کنیم
پراکندگی حاصل کثرت است بیایید تمرین وحدت کنیم
(امین پور، 65:1388)

2-8- تجلی

در لغت به معنی جلوه‌گری و آشکار شدن است، در اصطلاح صوفیه تجلی نور حق بر دل صوفی است. عزالدین محمود کاشانی در مورد تجلی می‌نویسد: «مراد از تجلی، انکشاف شمس حقیقت حق است، تعالی و تقدس، از غیوم (ابرهای) صفات بشری به غیبت آن و مراد از استتار احتجاب نور حقیقت به ظهور صفات بشری تراکم ظلمات آن.» (کاشانی، 129:1367)

قیصر امین پور نیز در شعرش خداوند متعال را در تجلی و حضور داریم در همه چیز و همه کس می‌بیند و می‌گوید:

نام تو مجنون / نام تو بستون / نام تو نام دیگر شیرین / نام تو هند / نام تو چین است / نام تو
نام دیگر لیلا / نام تو نام دیگر سلماست / نام تو نام اهرام / نام تو باغ های معلق / نام تو فتح
قیصر و کسری است. . . / (امین پور، 43:1388)

و تجلی نور حق بر کلماتش را این‌گونه لطیف بیان می‌کند:

تا نور تو تابید به طور کلماتم موسای تکلم شده‌ام در خودم امشب
(امین پور، 57:1388)

2-9- لزوم وجود پیر و دلیل راه

اصول تعلیمی مکتب عرفان دو گروه هستند: گروه اول که ولی، شیخ، مرشد، پیر، دلیل، پیشوا و... نامیده می‌شوند؛ کسانی که راه کمال را طی کرده‌اند و به سر منزل مقصود رسیده‌اند. گروه دوم مرید، سالک، صوفی، رهرو و... نام گرفته‌اند؛ کسانی که در ابتدای راه

اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور (137-123) 133

هستند و نیاز به هدایت و راهنمایی دارند. «در اصل مرید به بازسازی خود و مراد به بازسازی دیگران می‌پردازد.» (استعلامی، 1353:111)

قیصر امین‌پور مریدی است که خضر، پیر راهش است:

از خار راه و ظلمت وادی غمین مباش خضر است در طریق طلب رهنمای ما
(امین‌پور، 1363:80)

قیصر امین‌پور، در غزل حسن ختام خویش به پیر رهنمای شهادت (امام خمینی قدس...) روحه) اشاره می‌کند:

شفا دهد دل و جان را هزار جان جوان را به یک اشارت خود پیر رهنمای شهادت
(همان: 102).

2-10- زندگی و مرگ

بی‌اعتباری و بی‌ارزشی عارفان نسبت به دنیا و حیات دنیوی بر کسی پوشیده نیست. «عرفا حیات مادی را در مقایسه با حیات معنوی ناچیز می‌شمارند. حیات مادی با تمام اوصاف و شرایط آن بی‌مقدار و محدود است، یعنی در این حیات آگاهی، لذت، سعادت، آزادی، قدرت و همه کمالات دیگر ناقص و نا تمام‌اند. توجه به بی‌اعتباری دنیا نیازمند معرفتی برتر از حوزه ادراکات ظاهری است.» (یثربی، 1374:396)

قیصر امین‌پور شاعر معاصر، با بیان ساده خویش و به دور از هر گونه پیرایه بی‌اعتباری دنیا را این‌گونه ترسیم می‌کند:

خاموش می‌شویم و فراموش می‌شویم ما را اگر که وسوسه در سر ز بودن است
در این سرای کهنه، از این دست‌هرچه هست بگذار زاهدانه و بگذر، ز بودن است
(امین‌پور، 1363:96)

امین‌پور قفس را نمادی از دنیا می‌داند:
تمام حجم قفس را شناختیم بس است بیا به تجربه در آسمان پری بزیم
(همان: 122)

دگر این دل سر ماندن ندارد هوای در قفس خواندن ندارد
(امین‌پور، 1374:72)

همچنین در بیان ناپایداری دنیا تعبیر سقف ترک خورده را به کار می‌برد؛ دنیایی که سایه‌ای از عالم حقیقت و معنویت است:

در سایه این سقف ترک خورده نشستیم بی‌حوصله و خسته و افسرده نشستیم
(امین پور، 1388:87)

همچنین ناپایداری زندگی دنیوی را در خطاب قراردادن مرگ این‌گونه به تصویر می‌کشد:

ما/ در تمام عمر تو را در نمی‌یابیم/ اما / تو/ ناگهان/ همه را درمی‌یابی!
(امین پور، 1387:58)

در باره سفر ابدی و ترک دنیای دون این‌گونه می‌سراید:
ای خوشا خروشدن، جاودانه جوشیدن همچو رود نا آرام زین کرانه کوچیدن
(امین پور، 1363:105)

نتیجه‌گیری

حاصل کلام آنکه اندیشه‌های عرفانی قیصر امین پور شاعر معاصر، ناظر بر آگاهی وی بر مضامین عرفانی است. همچنین در بیان اندیشه‌های عرفانی خویش، از دیدگاه فکری و مشرب عرفانی خاصی پیروی نکرده است و در سلک گروهی خاصی قرار نمی‌گیرد، در تعدادی از ابیات با محتوای عرفانی تلمیحی به مولانا و حافظ داشته است. مفاهیم اساسی و بنیادی عرفان از جمله موضوع عشق، تقابل عقل و عشق، خودشناسی و ترک خودبینی، ترک تعلقات دنیایی و بی‌اعتباری دنیا که از اصول اساسی عرفان است در شعرش بازتاب داشته است و شور و شوق عرفانی در اشعارش موج می‌زند.

اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور (137-123) 135

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- آریا، غلامعلی. 1375. *کلیاتی در مبانی عرفان و تصوف*. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا
- استعلامی، محمد. 1353. «تربیت در مکتب عرفان و رابطه آن با روانشناسی». *دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. شماره 88
- امین‌پور، قیصر. 1388. *دستور زبان عشق*. چاپ نهم. تهران: انتشارات مروارید
- 1388. *آینه‌های ناگهانی*. چاپ پانزدهم. تهران: نشر افق
- 1387. *گلها همه آفتابگردانند*. چاپ دهم. تهران: انتشارات مروارید
- 1374. *تنفس صبح*. گزیده دو دفتر تنفس صبح و در کوچه آفتاب چاپ دوم. تهران: انتشارات سروش
- 1363. *تنفس صبح*. چاپ اول. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- حافظ، شمس‌الدین محمد. 1392. *دیوان حافظ*. به کوشش: خطیب رهبر، چاپ پنجاه و دوم. تهران: انتشارات صفی‌علیشاه
- رجایی بخارایی، احمد علی. 1364. *فرهنگ اشعار حافظ*. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی
- سجادی، سید ضیاء‌الدین. 1372. *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*. چاپ اول. تهران: سمت
- شیرازی، محمدبن ابراهیم صدرالدین. 1392. *رساله سه اصل*. به تصحیح سید حسن نصر. تهران: مولی
- غنی، قاسم. 2536. *بحث در آثار و افکار و احوال حافظ بحتی در تصوف*. چاپ دوم. تهران: انتشارات زوار
- قیصری، داوود. 1416. *مقدمه شرح قیصری بر فصوص الحکم*. تهران: انتشارات انورالهدی

- مولوی، جلال‌الدین محمد. 1392. *مثنوی معنوی*، شرح کریم زمانی. دفتر اول. چاپ چهل و یکم. تهران: انتشارات اطلاعات
- میهنی، محمد بن منور. 1390. *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*. مقدمه و تصحیح و تعلیقات. محمد رضا شفیعی کدکنی. چاپ دهم. تهران: آگاه
- کاشانی‌ها، زهرا. 1382. *صهبا‌ی عرفان*. چاپ اول. تهران: نشر رامین
- کاشانی، عزالدین محمود. 1368. *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*. به تصحیح: جلال‌الدین همایی، چاپ سوم. تهران: موسسه نشر هما
- نجم‌رازی، ابوبکر عبدالله. 1383. *مرصاد العباد من المبدء الی المعاد*. به اهتمام محمد امین ریاحی. چاپ دهم. نشر کتیبه. انتشارات علمی فرهنگی
- یثربی، یحیی. 1374. *عرفان نظری*. تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف. چاپ دوم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

The Holy Quran

- Aria, Gholamal I, 1375, *General in the basics of mysticism and Sufism*, First Edition, Tehran: Paya cultural and publishing institute.
- Inquiry, Mohammad, 1353, *Education in the school of mysticism and its relationship with psychology*, University of Literature and Humanities University of Tehran, Number 88.
- Aminpour, Qaisar, 1388, *Dastore zaban eshgh*, Ninth edition, Tehran: MorvaridePublishers.
- , 1388 *Ayeneh hay nagahany*, Fifth edition, Tehran: OfoghPublishing
- , 1387, *Golha hameh aftar gardenand*, Tenth edition, Tehran: morvaride publishing,
- , 1374, *Tanafos sobh*, Choice of two breathing offices, Sobhe va dar khocheh aftar, second edition, Tehran:
- , 1363, *Tanafos sobhe*, First edition, Tehran: Islamic Arts Propaganda Arts Publishing House
- Hafez, Shamsol-Din, Mohammad, 1392, *Poetry Colloction* an effort: Dr. Khatib rahbar Fifty-second printing, Tehran: Safi Alisha Publications.
- Rajaii Bokharaii, Ahmadali, 1364, *Hafez poetry culture*, second Edition, Tehran: ElmiPublishers.

- Sajadi, Saiedziaol-Din, 1372, **Introduction to the Basics of Gnosticism and Sufism**, First edition, Tehran, Publishers Samt.
- Shirazi, Mohammadebneh Ebrahim Sadredine, (1392), *Resaleh 3 asl*, To correct Sayyid Hassan Nasr, Tehran: Mooli
- Ali, Ghasem, 2536, *Discussion in the works and thoughts of Hafez Discussion in Sufism*, Second Edition, Tehran: Publishers Zovar.
- Qaisari, Davoode, 1416, *Introduction to the description of Qaisiri on Fusus al-Hikm*, Tehran: Publishers Norolhoda.
- Molavi, Jalal al-Din Mohammad, 1392, *Masnavieh Manavi*, Description of the Karim Zamani, Daftar Aval, Forty First Edition, Tehran: Publishers Atelaat.
- Mihani, Mohammadebneh Monavar, 1390, *Asrare al-tohid fi maghamateh Shaikh Abo Saied Abo Al-Kkair*, Introduction and Corrections, Mohammadreza Shafie Kadkani, tenth edition, Publishers Agah.
- Kashani, Zahra, 1382, *Sahbay Erfan*, first edition, Tehran, Ramin Publishing
- Kashani, Ezoddin Mahmoud, 1386, *Mesbah Al-Hedayat va Mefteh Al-kefayat*, Correction: Professor Jalal al-Din Homaei, 3rd Edition, Tehran: Homa Publication Institute.
- Najm Razi, Abu Bakr Abdullah, 1383, *Mersad Al-Ebad men Al-Mabda 'Al-Mā'ad*, under the direction of Mohammad Amin Riahi, Tenth edition, Katibeh Publishing, Scientific Cultural Publishing.
- Yasrebi, Yahya, 1374, *Erfan Nazari, An Investigation into the Evolution and Principles and Issues of Sufism*, Second Edition, Qom: Islamic Propagation Office Publishing.